

تاجتھا

پژوہیں نامی فہمی

دوفصلنامہ علمی - پژوهشی
سال سوم، شماره ۵، بہار و تابستان ۱۳۹۸

بازخوانی واژه‌های «گر» و «رطل» با تأکید بر روایات امامیہ^۱

فرہاد رحمان پور^۲، امیر احمد نژاد^۳

چکیده

بنابر نظر مشہور، مقدار آب گُر در روایات امامیہ با دو روش حجمی و وزنی بیان شدہ است و با استفادہ از مقیاس‌های ذکر شدہ در روایات، می‌توان مقدار آب گُر را بہ طور دقیق بہ دست آورد. ہم‌چنین، رطل یک مقیاس وزنی دانستہ شدہ و برای محاسبہ مقدار گُر، از مقدار معادل رطل بہ متقال بہرہ گرفتہ شدہ است. در پژوهش پیش‌رو، برای بررسی واژہ‌های گُر و رطل، بہ محدودہ روایات ابواب گُر، اکتفا نشدہ و این واژہ‌ها از سہ منظر لغوی، روایی و کاربرد آن‌ها در مذہب اسلامی با رویکرد فقہ حدیث، مورد بررسی قرار گرفتہ است. بر اساس یافته‌های این پژوهش، در روایات امامیہ مقدار آب گُر با سہ روش ابعادی، ظروف و رطل بیان شدہ است. اما روش‌های ابعادی و ظروف در ذات خود غیر دقیق است و حداکثر می‌تواند تقریب‌هایی برای رسیدن بہ حدود آب گُر باشد. ہم‌چنین در روش رطل، بہترین شیوہ برای رسیدن بہ مقدار گُر بر حسب

تاجتھا
پژوہیں نامی فہمی

بازخوانی واژہ‌های «گر» و «رطل» با تأکید بر روایات امامیہ

تاریخ تأیید: ۹۸/۱۲/۴

F.RAHMANPOUR@GMAIL.COM

AHMADNEZHAD@LTR.UI.AC.IR

۱. تاریخ دریافت: ۹۸/۵/۹

۲. دکترای تخصصی الهیات و معارف اسلامی (نویسنده مسئول).

۳. استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان.

معیارهای امروزی، بهره‌گیری از مقادیر معادل رطل به درهم است، که در این صورت، مقدار به دست آمده برای آب گُر با مقدار مشهور، تفاوت چشم‌گیری پیدا می‌کند. از سوی دیگر، ادعای محاسبه دقیق مقدار گُر (به هر یک از سه روش)، ادعای درستی نیست و به نظر می‌رسد که اصطلاح گُر در روایات امامیه یک معیار تقریبی برای بیان حداقل مقدار آب یک آبگیر یا معادل آن است که در ملاقات با نجاست، مشروط به عدم تغییر، پاک خواهد ماند. از این رو، برای پی بردن به مفهوم آب گُر نباید در سودای محاسبات دقیق گرفتار آمد.

واژگان کلیدی: گُر، رطل، آب گُر، درهم.

مقدمه

تعبیر آب گُر در روایات رسیده از ائمه شیعه علیهم‌السلام، باعث شکل‌گیری ابواب «مقدارُ الکر» و نظایر آن در منابع روایی شیعه بوده^۱ و در روایات این ابواب، مقدار و ویژگی آب گُر بیان شده است. از بررسی این روایات چنین به دست می‌آید که مفهوم آب گُر در برابر مفاهیمی چون نجاست و آلودگی معنا می‌یابد. هم‌چنین از آنجا که در برخی از روایات، مقدار آب گُر با معیار یا مقیاسی به نام رطل بیان شده است، بدون شناخت رطل نمی‌توان به شناخت درستی از گُر دست یافت.

مقدار یا کمیت آب گُر در برخی از روایات با مقیاس ابعاد، مانند «وجب» و «ذراع» و در روایات دیگر با مقیاس «رطل» بیان شده است. اما عدم ذکر نوع رطل در روایات، باعث بروز بحث‌ها و اختلاف‌هایی در برآورد مقدار گُر شده است؛ چرا که مؤلفان جوامع روایی متقدم، دست‌کم خبر از وجود سه نوع رطل عراقی، مکی و مدنی داده‌اند.

بنابر نظر مشهور در روزگار معاصر، رطل یک واحد وزن بوده و بنابر این مقدار گُر در روایات با دو روش وزنی و حجمی بیان شده است.^۲ این در حالی است که در برخی از روایات، مقدار آب گُر گاه با معیار ظروف نگه‌داری آب، مانند انواع کوزه‌ها نیز بیان می‌شود. علاوه بر اختلاف در روش‌های بیان مقدار آب گُر، در روایات مربوط به هر روش نیز اختلاف وجود دارد. به عنوان مثال در روش ابعادی، آب گُر در روایتی با ابعاد سه وجب و نیم^۳ و در

مباحثات
پژوهش‌های فقهی

سال سوم، شماره ۵، بهار و تابستان ۱۳۸۸

۱. برای نمونه: طوسی، الاستبصار، ج ۱، ص ۱۰؛ حرعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۱۶۴.
۲. یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۳۵؛ امام خمینی، تحریر الوسیلة، ج ۱، ص ۱۸؛ نوری، پژوهش‌های فقهی، ص ۱۹۳.
۳. حرعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۱۶۶.

روایت دیگری با ابعاد سه و جب^۱ معرفی می‌شود.

یکی از پژوهش‌های صورت گرفته در خصوص آب کُر، مقاله‌ای است که به بررسی راه‌های تشخیص آب کُر می‌پردازد^۲ و نتیجه‌گیری می‌کند که آب کُر با دوروش وزنی و مساحتی^۳ و به طور دقیق تقدیر می‌شود. آن پژوهش، با حذف برخی از روایات معارض به دلیل ضعف سند و تکیه بر روایات دیگر، نظر مشهور را که مقدار کُر مساحتی برابر با ۴۳ و جب در همه ابعاد و کُر وزنی برابر با ۱۲۰۰ رطل عراقی،^۴ معادل با ۳۸۴ کیلوگرم است، تأیید می‌نماید و در انتها، اصل را بر کُر وزنی قرار داده و کُر مساحتی را برای تسهیل دانسته است.

اما باید توجه داشت که امکان اندازه‌گیری دقیق مقدار آب کُر با در نظر گرفتن روایات ابعادی وجود ندارد؛ چرا که علاوه بر اختلاف در روایات ابعادی آب کُر، اندازه ذراع و وجب میان اشخاص مختلف، بسیار متغیر است، تا آنجا که اگر وجب شخصی ۲۰ سانتی‌متر و وجب شخص دیگری ۲۱ سانتی‌متر باشد، نتیجه محاسبه مقدار آب کُر (با روایت سه و جب و نیم)، بیش از ۵۰ لیتر (یا کیلوگرم) تفاوت پیدا می‌کند. هم‌چنین اگر کُر بر اساس نظر مشهور ۳۸۴ لیتر باشد، با محاسبه معکوس (بر اساس روایت سه و جب و نیم)، هر وجب ۲۰/۷۷ سانتی‌متر به دست می‌آید. اما اگر هر وجب تنها ۰/۷۷ سانتی‌متر کوچک‌تر، یعنی ۲۰ سانتی‌متر باشد، مقدار آب کُر ۴۰ لیتر کاهش خواهد یافت.

هم‌چنین با فرض محاسبه کُر با دوروش وزنی و حجمی، مقدار کُر با روش وزنی به طور دقیق محاسبه شده است. اما روش دیگر به قدری تقریبی است که حتی میزان کشش انگشتان دست برای وجب نمودن، مقدار آن را به شدت تغییر می‌دهد. این در حالی است که بررسی این پژوهش نشان می‌دهد که ادعای محاسبه دقیق مقدار کُر با روش به اصطلاح وزنی نیز به دلایلی که خواهد آمد، ادعای درستی نیست.

تلاش‌های صورت گرفته در دوران متأخر،^۵ بر مبنای برابری رطل با مقیاس‌های رایج در

۱. همان، ص ۱۶۵.

۲. نوری، پژوهش‌های فقهی، ص ۱۹۱-۲۱۵.

۳. البته اصطلاح صحیح آن حجم است، نه مساحت.

۴. ببینید: یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۳۵.

۵. ببینید: مجلسی، أوزان المقادیر، ص ۱۴۳ و عاملی، رسالة فی الکر، ص ۲۳۵.

دوران صفویه شکل گرفته و کُر را بر این مبنا و در محدوده روایات ابواب کُر محاسبه نموده است. اما در پژوهش پیش‌رو، آرای متقدمان و مقیاس‌های آنان مورد توجه بوده و واژه‌های مرتبط با آب کُر مانند کُر و رطل مورد واکاوی دقیق قرار خواهد گرفت. هم‌چنین به خلاف پژوهش ذکر شده،^۱ در مقاله حاضر برای بررسی واژه‌های کُر و رطل به محدوده روایات ابواب آب کُر، اکتفا نشده و این واژه‌ها از سه منظر لغوی، روایی و کاربرد آن‌ها در مذاهب اسلامی با رویکرد فقه حدیث مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

از آنجا که از میان جوامع روایی شیعه، کتاب وسایل الشیعة اثر شیخ حر عاملی، جامع احادیث کتب اربعه و کتب معتبر شیعه در زمینه احکام است و از زمان نگارش، همواره مورد توجه علما بوده و در این زمان یکی از منابع اصلی استنباط احکام از روایات اهل بیت علیهم‌السلام است، در پژوهش حاضر، بیشتر روایات به این کتاب ارجاع خواهد شد.

رویکرد فقه معاصر به مسأله

تعارضات پیش‌گفته در روایات کُر و روش‌های اندازه‌گیری آن، تا روزگار معاصر هم‌چنان به صورت یک مسأله اختلافی و قابل تأمل در میان فقیهان باقی مانده است. رفع این تعارضات، بیشتر بر بررسی سند و تضعیف یک یا چند حدیث، اخذ قول مشهور و یا روش‌های جمع روایات (هم‌چون حمل مطلق بر مقید) استوار بوده است.^۲ در ادامه نیز به اختصار، مهم‌ترین نظرات فقهای معاصر در برخورد با مسأله و فتاوای ایشان، تبیین می‌گردد.

محقق خوبی با این پیش‌فرض که کُر در روایات به دو روش وزنی و مساحتی بیان شده است، اضافه می‌کند که نظر مشهور در مقدار کُر وزنی، ۱۲۰۰ رطل عراقی است؛ ولی سیدمرتضی و شیخ صدوق آن را ۱۲۰۰ رطل مدنی برابر با ۱۸۰۰ رطل عراقی دانسته‌اند. او سپس به بررسی سندی و اصولی روایات پرداخته و در نهایت کُر وزنی را ۶۰۰ رطل مکی و بر مبنای قول مشهور، معادل با ۱۲۰۰ رطل عراقی دانسته است.^۳ وی با همان شیوه، روایات کُر مساحتی و دیدگاه‌های ذیل آن‌ها را نیز بررسی می‌کند و قول ۲۷ وجب (بر اساس روایت

۱. نوری، پژوهش‌های فقهی، ص ۱۹۱-۲۱۵.

۲. همان.

۳. خویی، موسوعة الإمام الخویی، ج ۲، صص ۱۵۱-۱۵۷.

سه وجب در همه ابعاد) را می‌پذیرد.^۱ در نظر محقق خویی مقدار کُر برابر با ۲۹۲/۵ حقه استانبول یا ۳۷۷ کیلوگرم یا ۳ وجب در همه ابعاد است.^۲ او در بیانی که در نسبت میان دو روش وزنی و مساحتی دارد، معتقد است که کُر مساحتی به مقدار ۲۷ وجب [مکعب] نزدیک‌تر است^۳ و نظر مشهور یعنی ۴۳ وجب، با مقدار وزنی کُر اختلاف زیادی دارد.^۴

آیت‌الله صافی نیز به همان طریق و با گرفتن مؤید از شهرت و اجماع، کُر را ۱۲۰۰ رطل عراقی می‌داند؛ ولی با تکیه بر روش سندی و احتمال وقوع اشتباه در نقل روایات ذراع، در مجموع، مقدار ۳/۵ وجب در همه ابعاد، یعنی ۴۳ وجب [مکعب] را بر گزیده است.^۵ او سپس به اختلاف در مقادیر کُر که به دو روش وزنی و مساحتی به دست می‌آید، می‌پردازد و می‌کوشد تا راه‌کاری فقهی برای این اختلاف بیان نماید. در نگاه او مقدار وزنی کُر، حد واقعی و مقدار وجبی آن، حد ظاهری است و اصل با حد واقعی است و حد ظاهری، روش و نشان‌های برای رسیدن به حد واقعی (وزنی) است.^۶ در نهایت او نیز بدون اشاره به روش محاسبه، مقدار کُر رطلی را ۲۹۲/۵ حقه استامبول اعلام می‌نماید.^۷

آیت‌الله بهجت نیز مقدار وزنی کُر را همان قول مشهور می‌داند؛ ولی کُر مساحتی را بنابر احوط ۳۶ وجب و احوط از آن را ۴۳ وجب می‌داند. اگرچه در نظر او اقوی کفایت ۲۷ وجب است.^۸

آیت‌الله شبیری پس از بیان اینکه مقدار ۱۲۰۰ رطل عراقی محل اشکال و اختلاف نیست، به این نکته مهم اشاره می‌کند که اختلاف میان علما ناشی از تبدیل آن مقدار به مقادیر وزنی معاصر است. او اضافه می‌کند که اگرچه مقدار مشهور کُر در حدود ۳۷۷ کیلوگرم است، بعضی از اهل تحقیق مقدار آن را ۴۶۲/۷۷ و بعضی دیگر آن را ۴۷۸/۵ کیلوگرم دانسته‌اند.^۹

۱. همان، ص ۱۷۰-۱۷۱.

۲. همو، منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۱۸.

۳. البته این نظر تنها هنگامی درست است که هر وجب در حدود ۲۴/۱ سانتی‌متر باشد.

۴. خویی، موسوعة الامام الخویی، ج ۲، ص ۱۷۲.

۵. صافی گلپایگانی، ذخیره العقبی، ج ۱، صص ۳۰۵-۳۱۳.

۶. همان، ص ۳۱۴.

۷. همان، ص ۳۱۶.

۸. بهجت، وسیلة النجاة، ص ۲۳.

۹. شبیری، المسائل الشرعية، صص ۱۱-۱۲.

به این ترتیب، ملاحظه می‌گردد که در مهم‌ترین نظرات فقهای معاصر، دو برابر دانستن گنجایش رطل مکی نسبت به رطل عراقی، رفع‌کننده مشکل تعارض در روایات رطل بوده و در خصوص روایات به اصطلاح مساحتی نیز تلاش شده است تا با شیوه‌های خاص، هم‌چون محاسبه تقریبی مقدار کُر به وجب (مانند آنچه که محقق خویی بیان کرده است) و یا شیوه‌های رایج، مانند بررسی سندی و کنار گذاشتن تعدادی از روایات و یا احتمال وقوع خطا در برخی از روایات، تعارضات مذکور برطرف گردد. اما به‌رغم همه این تلاش‌ها، هیچ اجماعی در خصوص روایات مساحت حاصل نشده و حتی در بخش اجماعی موضوعف یعنی روایات رطل، تبدیل مقادیر رطل به کیلوگرم، اختلاف‌های قابل توجهی را به همراه داشته است.

روایات آب کُر

مؤلفان جوامع روایی شیعه به منظور رفع تعارضات پیش‌گفته در روایات مرتبط با آب کُر، ذیل برخی از احادیث به بیان ریشه اختلاف و شیوه رفع آن پرداخته‌اند.^۱ حمل یک یا چند روایت بر تقیه، استحباب و یا احتیاط و نیز مطرح کردن یک یا چندین احتمال برای مفهوم یا منطوق روایت، از شیوه‌های متداول برای حل تعارض این روایات بوده است. البته هیچ یک از این احتمالات غیر قابل‌خداشه نیست. به عنوان مثال، شیخ حر عاملی ذیل یک روایت، در توجیه نجس نشدن آب دلوی که طناب آن از موی خوک بافته شده، احتمال کُر بودن دلو را مطرح می‌کند.^۲ در حالی که این موضوع بر اساس روایاتی که مقدار کُر را بیان می‌نماید،^۳ عجیب به نظر می‌رسد؛ چرا که با در نظر گرفتن روایت سه وجب در هر بُعد، وزن چنین دلوی حداقل ۱۵۰ کیلوگرم خواهد بود.^۴ مثال دیگر، ذیل روایتی است که او احتمال می‌دهد که منظور از آب قلیل در متن روایت، آب کُر باشد.^۵

شیخ طوسی در استبصار در باب کمّیة الكُر،^۶ روایت را که در آن‌ها مقدار کُر با وجب،

۱. برای نمونه: طوسی، الاستبصار، ج ۱، ص ۷؛ شیخ صدوق، الفقیه، ج ۱، ص ۵؛ حرعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۱۶۷.

۲. حرعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۱۷۱.

۳. همان، ص ۱۶۵.

۴. جرم حجمی (دانسیته) آب حدود یک کیلوگرم بر لیتر در نظر گرفته می‌شود.

۵. حرعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۱۵۳.

ذراع و رطل بیان شده، نقل نموده است.^۱ بنا بر گزارش شیخ طوسی در خلاف، علمای امامیه مقدار کُر را با دو روش رطل و وجب بیان نموده‌اند.^۲ شیخ حر عاملی در وسائل الشیعة، روایات مقدار کُر را به دو دسته تقسیم نموده است. او در یک باب، روایات مقدار آب کُر با وجب (و ذراع)، شامل ۸ روایت^۳ و در باب دیگر، روایات رطل، شامل ۳ روایت را گرد آورده است.^۴ امروزه نیز این دو تقسیم‌بندی به کُر وزنی و کُر مساحتی شناخته می‌شود.^۵ به نظر می‌رسد که نحوه گزینش و دسته‌بندی روایات، موجب شکل‌گیری این اندیشه بوده که در روایات ائمه علیهم‌السلام، مقدار کُر به دو روش مساحت و وزن بیان شده است. حال آنکه بررسی این پژوهش نشان می‌دهد که مقدار آب کُر به منزله آبی که نجس نمی‌شود،^۶ در مجموع روایات امامیه با سه مقیاس یا معیار بیان شده است: ۱. وجب، ذراع و مانند آن (ابعاد)؛ ۲. ظروف متعارف نگهداری آب مانند کوزه و دلو؛ ۳. رطل.

۱. روایات ابعاد

مقدار آب کُر در این دسته از روایات با چهار روش بیان می‌شود: ۱. دو ذراع عمق در یک ذراع و یک وجب مساحت؛ ۲. دو ذراع و یک وجب در همه ابعاد؛ ۳. سه وجب در همه ابعاد؛ ۴. سه وجب و نیم در همه ابعاد.^۷

بنا بر نظر مشهور، یک ذراع، فاصله انتهای مرفق (آرنج) تا نوک انگشت وسطی است.^۸ اما شیخ حر بر اساس روایات، هر ذراع را برابر با دو قدم می‌داند.^۹ هم‌چنین، وجب (شیر) در نگاه فراهیدی به دلیل وضوح، نیاز به توضیح ندارد.^{۱۰} اما پس از وی ابن‌درید فاصله میان دو

سازمان پژوهش‌های فقهی

بازخوانی و پژوهش‌های «کُر» و «رطل» با تأکید بر روایات امامیه

۱. طوسی، الاستبصار، ج ۱، ص ۱۰.

۲. همو، الخلاف، ج ۱، ص ۱۹۰.

۳. حرعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۱۶۴.

۴. همان، ج ۱، ص ۱۶۷.

۵. یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۳۵؛ نوری، پژوهش‌های فقهی، ص ۱۹۱.

۶. حرعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۳۹۱.

۷. همان، صص ۱۶۵-۱۶۶.

۸. فراهیدی، العین، ج ۲، ص ۹۶؛ أزهري، تهذیب اللغة، ج ۲، ص ۱۸۹.

۹. حرعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۱۶۵.

۱۰. فراهیدی، العین، ج ۶، ص ۲۵۸.

پهلوی انگشت ابهام و انگشت کوچک را وجب معرفی می‌کند.^۱
گفته شده که گذشتگان نوعی از ذراع به نام ذراع عمَل را ۳ وجب دانسته‌اند.^۲ اما بر مبنای نظر مشهور که هر ذراع را فاصله میان آرنج تا نوک انگشت وسطی می‌دانند، یک ذراع را می‌توان به تقریب، چیزی در حدود ۲/۵ وجب در نظر گرفت. در این صورت، مقادیر ابعادی پیش‌گفته برای آب کُر بر اساس روایات، بر حسب وجب با محاسبه این پژوهش به شرح زیر است:

۱. دو ذراع عمق در یک ذراع و یک وجب مساحت: الف. اگر مساحت سطح مربع در نظر گرفته شود: ۶۱/۲۵ وجب مکعب؛ ب. اگر مساحت سطح مستدیر در نظر گرفته شود: ۴۸/۰۸ وجب مکعب^۳؛

۲. دو ذراع و یک وجب در دو ذراع و یک وجب: ۳۶ وجب مربع بدون مشخص بودن عمق؛

۳. سه وجب در همه ابعاد: ۲۷ وجب مکعب؛

۴. سه وجب و نیم در همه ابعاد: ۴۲/۹ وجب مکعب.

به این ترتیب، با فرض اینکه هر ذراع حدود دو و نیم وجب باشد، مقادیر ابعادی کُر در حالت‌ها به هم نزدیک است. البته این نتیجه خارج از انتظار نیست؛ چراکه وجب و ذراع، مقیاس‌های متعارف آن روزگار بوده و گاه به جای یکدیگر کاربرد داشته‌اند. اما باید توجه داشت که این مقادیر به طور کامل وابسته به اندازه‌های وجب و ذراع است و اندک اختلاف در برآورد آن‌ها می‌تواند اختلاف‌های چشم‌گیری را به بار آورد.

بنابر این، اگرچه معیار ابعاد، می‌تواند تقریب خوبی برای پی بردن به حدود حجم آب باشد، اختلاف در روایات و نیز عدم وجود وجب و ذراع معیار، امکان اندازه‌گیری دقیق آب کُر با استفاده از این روش را از میان می‌برد.

۱. ابن‌درید، *جمهرة اللغة*، ج ۱، ص ۳۱۱.

۲. *دانشنامه جهان اسلام*، مدخل ذراع.

۳. این عدد با محاسبه حجم استوان‌های به قطر یک ذراع و یک وجب و ارتفاع دو ذراع به دست آمده است.

۲. روایات ظروف متعارف نگهداری آب

کمیت آب کُر در این روایات، معادل یک حُب یا دو قُلَّة (قُلَّتین) یا معادل دو جَرَّة بیان می‌شود.^۱ در یک روایت هم گفته می‌شود که اگر مقدار آب از راهی بیشتر بود، چیزی آن را نجس نمی‌کند.^۲

حُب، قُلَّة و جَرَّة، کوزه‌های نگهداری آب بوده و از یک روایت به دست می‌آید که قُلَّة و جَرَّة، هم حجم بوده‌اند.^۳ از آنجا که در روایت دیگری مقدار آب کُر معادل یک حُب دانسته می‌شود،^۴ می‌توان قُلَّة و جَرَّة را معادل با نیم حُب دانست. فراهیدی نیز حُب را جَرَّة بزرگ می‌داند.^۵

به منظور تطبیق روایات ابعاد (بخش ۱) با روایات ظروف، می‌توان چنین تصور نمود که حجم یک حُب، مقداری در حدود مقادیر ذکر شده در روایات ابعاد بوده است. به عنوان مثال، ممکن است حجم یک حُب، در حدود دو ذراع عمق در یک ذراع و یک وجب مساحت بوده باشد.

اما باید توجه داشت که گنجایش ظروف یا کوزه‌های نگهداری آب، با توجه به ساختار و سازنده آن متنوع است. به عنوان مثال، اگر به جهت سادگی محاسبه و تقریب به ذهن، حُب را کوزه‌ای استوانه‌ای به شعاع قاعده ۳۰ سانتی‌متر و ارتفاع ۱ متر در نظر بگیریم، کاهش تنها ۵ سانتی‌متر از شعاع ظرف، منجر به کاهش بیش از ۸۰ لیتر از حجم آن می‌گردد.

در نتیجه، روایات ظروف نیز مانند روایات ابعاد تنها می‌تواند تقریب خوبی برای مشخص کردن حجم آب باشد و نمی‌تواند امکان اندازه‌گیری دقیق مقدار کُر را فراهم سازد. البته انتظار وجود مقیاسی دقیق و یکنواخت در آن روزگار، انتظار درستی نیست. بنابر این، روش ظروف را نیز باید روشی تقریبی و حدودی دانست.

۳. روایات رطل

آب کُر در این روایات با معیار «رطل» و با دو مقدار آمده است: ۱. ۱۲۰۰ رطل؛ ۲. ۶۰۰ رطل.^۶

۱. حرعاملی، وسایل الشیعة، ج ۱، ص ۱۶۶.

۲. همان، ص ۱۴۰.

۳. همان، ح ۴۱۵.

۴. همان، ح ۴۱۴.

۵. فراهیدی، العین، ج ۳، ص ۳۱.

۶. حرعاملی، وسایل الشیعة، ج ۱، صص ۱۶۷-۱۶۸.

شیخ حر تعارض میان این دو دسته از روایات را با نقل قولی از شیخ طوسی چنین رفع کرده است که مراد از ۱۲۰۰ رطل، رطل عراقی و مراد از ۶۰۰ رطل، رطل مکی است؛ چراکه هر رطل مکی معادل دو رطل عراقی است.^۱ این مدعا و مقدار هر رطل در بخش بعد مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در مجموع، اگرچه بر اساس روایات، مقدار آب کُر با سه روش متفاوت بیان شده است؛ اما به دلیل تقریبی بودن هر یک از این روش‌ها و نیز تعارض در روایات، اندازه‌گیری آب کُر با مشکل روبه‌رو می‌شود. البته ادعا شده که مشکل تعارض میان روایات قابل حل است؛ به این ترتیب که با مشخص شدن مقدار «رطل»، کُر به اصطلاح وزنی محاسبه می‌گردد و تعارض میان روایات ابعادی نیز با روش بررسی سند و خارج کردن برخی از روایات ضعیف و اخذ قول مشهور مرتفع می‌گردد.^۲ بر این اساس، کُر به اصطلاح وزنی، برابر با ۳۸۴ کیلوگرم (یا ۳۸۴ لیتر) و کُر مساحت (ابعادی)، معادل با ۴۳ وجب [مکعب] خواهد بود.^۳ هم‌چنین برای رفع تعارض مفهومی میان این دو روش، گفته شده که بر اساس منطوق روایات، دو قسم کُر وجود دارد، اما اصل بر کُر وزنی است و کُر مساحت برای تسهیل مردم است.^۴ بر این مبنا گرچه تعارض میان کُر مساحتی (حجمی) و کُر به اصطلاح وزنی، به لحاظ عملی (فقهی) حل می‌شود؛ اما اساس مشکل هم‌چنان باقی است؛ چرا که وجب و ذراع معیارهایی دقیق و به طور کامل مشخص نیستند و بر اساس آنچه که در ادامه بیان خواهد شد، معیار رطل هم نمی‌تواند آن دقت ادعا شده را فراهم آورد. افزون بر آن، تکلیف روایات ظروف (کوزه و امثال آن) نیز به درستی مشخص نمی‌شود.

بررسی واژه‌های کُر و رطل

در این بخش هر یک از واژه‌های کُر و رطل از سه منظر لغوی، روایی و کاربرد در مذاهب اسلامی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. همان، ص ۱۶۸؛ طوسی، الاستبصار، ج ۱، ص ۱۱.

۲. نوری، پژوهش‌های فقهی، ۱۹۱.

۳. همان، ۲۱۲.

۴. همان.

۱. مفهوم کُر

۱/۱. کُر در کتب لغت

فراهیدی (د۱۰۰ق)، نخستین لغتنامه مدون عربی، کُر را مکیال (پیمانہ) اهل عراق معرفی می‌کند.^۱ اهمیت گزارش او از آنجا است که مؤلف آن در عصر امامان صادقین علیهم‌السلام می‌زیسته و در حالی که به نظر می‌رسد، در روایات ایشان مفهوم خاصی از کُر بیان شده باشد، فراهیدی اشاره‌ای به آن مفهوم نکرده است.

چندی پس از فراهیدی، ابو عبید، قاسم بن سلام (د۲۲۴ق)، *الکُر* را معادل «حِسی» می‌داند و «*الکُرُّ من الماء*» را مکانی در وادی معرفی می‌کند که با کندن آن، آب آشکار می‌گردد.^۲ *حِسی*، خود به معنای محل پستی است که آب در آن جمع می‌شود.^۳ ابو عبید در جایی دیگر به نظر برخی اشاره می‌کند که کُر را به آبی تفسیر کرده‌اند که در حوضی بزرگ یا در یک آبگیر (غدیر) به حدی از کثرت برسد که حرکت یک سمت آن، موجب حرکت سمت دیگر آن نشود، آنگاه چنین آبی نجس نمی‌شود. از نگاه آنان کُر، آبی است که «یکر بعضه علی بعض»؛ [موج] بخشی از آن بر بخش دیگر باز می‌گردد.^۴

ابن دُرید (د۳۲۱ق)، کُر را غدیرِ پر آب و «وادی ذو کِرار» را جایی که در آن مستنقعات آب وجود دارد می‌داند.^۵ مستنقع خود به معنای مجتمع است.^۶

أزهري (د۳۷۰ق)، کُر را به معنای حِسی (محل پست تجمع آب) و جمع آن را کِرار می‌داند. بنابر گزارش او به حِسی، کُر نیز می‌گویند.^۷ او هم چنین اشاره می‌کند که کُر، مکیال اهل عراق است و می‌کوشد تا مقدار این کُر را با معیارهای رایج دیگر یعنی قَفِیز، مَكُّوک و صاع توضیح دهد. او کُر را برابر با ۶۰ قَفِیز، هر قَفِیز را ۸ مَكُّوک و هر مَكُّوک را ۱/۵ صاع

۱. فراهیدی، العین، ج ۵، ص ۲۷۷.

۲. ابو عبید، الغریب المصنف، ج ۲، ص ۴۵۷.

۳. فراهیدی، العین، ج ۳، ص ۲۷۱.

۴. ابو عبید، غریب الحدیث، ج ۲، ص ۲۳۸.

۵. ابن دُرید، جمهرة اللغة، ج ۱، ص ۱۲۶.

۶. فراهیدی، العین، ج ۱، ص ۱۷۱.

۷. أزهري، تهذیب اللغة، ج ۹، ص ۳۲۷.

دانسته است.^۱ به این ترتیب، هر کُر برابر با ۷۲۰ صاع خواهد بود. آزه‌ری در جایی دیگر، این نکته را متذکر می‌شود که قفیز، مکوک، مُد و صاع همگی کیل یا پیمانانه هستند.^۲ این احتمال مطرح شده که «کُر» از واژه «کور» که در زمان هخامنشیان در بابل، واحدی برای اندازه‌گیری حبوبات و غلات بوده است، اخذ شده باشد.^۳ بنابر گزارش مشکور، زبان‌شناس معاصر، کُر (جمع: آکرار)، پیمان‌های برای سنجش خوار و بار، معادل با بار ۶ خر و یا ۶۰ قفیز و تلفظ عبری آن «kor» بوده است.^۴ بر اساس گزارش او معادل‌های آرامی، سریانی و یونانی واژه نیز تلفظ‌هایی شبیه به کُر دارند. هم‌چنین کُر (جمع: کِرار)، با تلفظ عبری «kar» به معنای چاه آب (well)، حوض (cistern) و یا چراگاه است.^۵ گزارش اخیر اما نیاز به بررسی بیشتری دارد که در ادامه خواهد آمد.

در مجموعه کتاب‌های معروف به عهد قدیم، موارد زیادی از به کارگیری واژه‌هایی در معنای حوض یا منبع و یا چشمه و چاه آب به چشم می‌خورد.^۶ در این میان، واژه عبری «בַּאֵר» یکی از واژه‌های معادل با «cistern»،^۷ با تلفظ «bor»، به معنای منبع مصنوعی نگهداری آب و یا شکاف یا چاه شبیه به گودال است.^۸ اما نکته مهم اینجاست که واژه «בַּאֵר» از ریشه «באר» گرفته شده که تلفظ آن «kor» و به معنای «حفر کردن گودال» بوده و بنابر این در عبری کهن به صورت «kor» تلفظ می‌شده است.^۹ این واژه در عبری به معنای حفر کردن (فعل)، گودال یا حوض (اسم)، ظرف سفالین پخت غذا و واحدی برای اندازه‌گیری بوده است.^{۱۰} در مجموع، به نظر می‌رسد که واژه کُر ریشه در زبان عبری یا دیگر زبان‌های سامی داشته

۱. همان، صص ۳۲۷-۳۲۸.

۲. همان، ج ۱۰، ص ۱۹۴.

۳. دیانت، فرهنگ تاریخی سنجش‌ها و ارزش‌ها، ص ۳۶۹؛ هینس، اوزان و مقیاس‌ها در اسلام، ص ۶۸.

۴. مشکور، فرهنگ تطبیقی عربی با زبان‌های سامی و ایرانی، ج ۲، ص ۷۵۲.

۵. همان.

۶. مانند: فصول پیدایش، ۲۱:۱۹، دوم پادشاهان، ۱۸:۳۱، امثال، ۵:۱۵، جامعه، ۱۲:۶، اشعیا، ۳۶:۱۶ و

ارمیا، ۲:۱۳.

۷. MICHEL JOSEPHS, AN ENGLISH AND HEBREW LEXICON, P.45.

۸. (BENNER, ANCIENT HEBREW DICTIONARY, P.74).

۹. BENNER, ANCIENT HEBREW DICTIONARY, PP.2-3.

۱۰. BENNER, ANCIENT HEBREW LEXICON OF THE BIBLE, P.153.

و تا حدود زیادی با همان معانی به زبان عربی منتقل شده است. از نظر لغت‌شناسان متقدم، کُر یا کَر در دو معنا به کار می‌رود. نخست، پیمانۀ مشخص در منطقهٔ عراق و دیگری آبگیر یا برکه. این دو معنا گرچه از جهاتی با معنای کُر در روایات امامیه قرابت دارد؛ اما تا آنجا که در این پژوهش بررسی شد، به جز ابو عبید، دیگر لغت‌شناسان متقدم به معنای روایی آن اشاره‌ای نکرده‌اند. حتی صاحب‌بن‌عباد (د۳۸۵ق)، لغت‌شناس منسوب به تشیع نیز در ذیل این واژه به نظرات سایر لغت‌شناسان در خصوص مفهوم کُر، هیچ نیفزوده است.^۱

۱/۲. کُر در مذاهب اسلامی

همان‌گونه که ذکر شد، کُر در مذهب امامیه بر مبنای کاربرد روایی آن، معنا و مفهوم خاصی به خود گرفته است؛ اما در میان مذاهب چهارگانهٔ اهل سنت، اگرچه کُر پیمان‌های معروف است، در شمار مقادیر یا معیارهای شرعی به حساب نمی‌آید^۲ و هیچ یک از احکام شرعی به آن منوط نشده، جز اینکه گاه در مثال‌های مبحث بیع المثل از آن کمک گرفته شده است.^۳ محمد عماره (معاصر)، کُر را به عنوان پیمانۀ اقتصادی اهل عراق، در کوفه و بصره، برابر با ۶۰ قفیز و در عراق میانه و به قولی بصره، برابر با ۱۲۰ قفیز می‌داند.^۴ وی مقادیر مختلفی را برای قفیز بیان می‌کند. او اختلاف در مقدار قفیز را به زمان، مکان و موزون (وزن شونده) ارتباط می‌دهد.^۵

به‌رغم اینکه کُر در میان غیر امامیه یک معیار یا پیمانۀ شرعی نیست، بررسی پژوهش حاضر نشان می‌دهد که واژه کُر به منزلهٔ آبی که نجس نمی‌شود، در منابع روایی اهل سنت فاقد پیشینه نبوده است. این پیشینه به ذکر چند حدیث موقوف در مصنفات پیش از صحاح سته، یعنی المصنف عبدالرزاق (د۲۱۱ق) و المصنف ابن‌ابی‌شیبہ (د۲۳۵ق) خلاصه می‌گردد. بر اساس موقوف ابراهیم، هرگاه آبی کُر باشد، چیزی آن را نجس نمی‌کند.^۶

۱. ببینید: صاحب‌بن‌عباد، المحيط فی اللغة، ج ۶، ص ۱۳۸.

۲. ببینید: العمري، المجلة الأردنية فی الدراسات الإسلامية، صص ۲۲۱-۲۳۳.

۳. الموسوعة الفقهية، ج ۳۸، ص ۳۰۱.

۴. عماره، قاموس المصطلحات الاقتصادية، ص ۴۷۹.

۵. همان، صص ۴۶۳-۴۶۴.

۶. عبدالرزاق، المصنف، ج ۱، ص ۲۶۴.

این ابی‌شبیبه در بابی با عنوان «آب، هرگاه دو قُلّه (کوزه بزرگ) یا بیشتر باشد»، یازده حدیث را نقل می‌کند که از آن میان در سه حدیث موقوف، واژه کُر ذکر شده است:

عن النبي ﷺ قَالَ: إِذَا بَلَغَ الْمَاءُ أَنْ يَكُونَ كِرًّا لَمْ يَحْمِلْ نَجْسًا؛ هرگاه آب به حد کُری رسید، نجس نمی‌شود.^۱

به هر روی، نقل این چند حدیث موقوف در مصنفات مذکور، نتوانست موجب رواج واژه کُر به منزله یک مقدار شرعی در فقه مذاهب اربعه گردد. اما اگرچه لفظ کُر در بین آنان، به معنای شیعی آن به کار نرفته، مفهوم کُر یعنی آبی که چیزی آن را نجس نمی‌کند، در فقه اهل سنت، ذیل احکام طهارت با معیارهای دیگری بیان شده است.

غزالی (د۵۰۵ق) بیان می‌کند که آب قلیل با واقع شدن نجاست در آن نجس می‌گردد، حتی اگر دچار تَغْيِير (تغییر در طعم یا رنگ یا بو) نشود؛^۲ اما اضافه می‌کند که بنابر نظر مالک بن انس، آب (صرف نظر از مقدار آن) نجس نمی‌شود، مگر اینکه طعم یا رنگ یا بوی آن تغییر کند. غزالی حد آب قلیل را بر اساس حدیث نبوی ﷺ به مقدار قَلْتَيْن (دو کوزه بزرگ) دانسته^۳ و به اقوال مختلفی که مقدار دو قُلّه را برابر با ۵۰۰، ۶۰۰ و یا ۱۰۰۰ رطل دانسته‌اند، اشاره کرده است.^۴

عبدالرحمن جزیری (د۱۳۶۰ق)، فقیه و عالم حنفی مذهب مصری مقدار دو قُلّه را حدود ۴۴۶ رطل مصری می‌داند.^۵

علی جمعه محمد (معاصر)، استاد فقه در دانشگاه الازهر، کوشیده است تا مقادیر و پیمانه‌های شرعی را با مقیاس‌های استاندارد امروزی بیان کند. به بیان او مقدار هر قُلّه (کوزه‌ای بزرگ برابر با ۲۵۰ رطل عراقی) نزد حنفیه ۱۰۱/۵۶ و نزد جمهور ۹۵/۶۲۵ کیلوگرم است.^۶ او هر رطل عراقی را نزد حنفیه و جمهور به ترتیب، ۴۰۶/۲۵ و ۳۸۲/۵ گرم

۱. ابن ابی‌شبیبه، المصنف، ج ۱، ص ۲۴۲ و مانند آن: همان، ج ۱، صص ۲۴۲-۲۴۳.

۲. غزالی، الوسیط فی المذهب، ج ۱، ص ۱۶۶.

۳. همان، ص ۱۶۸.

۴. همان، ص ۱۷۰.

۵. جزیری، الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۳۸.

۶. علی جمعه، المکابیل و الموازن الشرعیة، ص ۴۶.

و هر رطل مصری را حدود ۴۵۰ گرم دانسته است.^۱

به این ترتیب، کُر در فقه مذاهب اربعه، وجه شرعی نیافته و بیشتر به منزله یک پیمانۀ اقتصادی شناخته شده است. اما مفهوم آن (بدون ذکر منطوق) بر اساس روایت نبوی ﷺ با مقدار دو قُلّه یا ۵۰۰ رطل عراقی یا ۴۴۶ رطل مصری^۲ یا حدود ۲۰۰ کیلوگرم تحقق پیدا کرده است. این مقدار در حدود نصف کُر مشهور در میان شیعه معاصر است.

۱/۳. کُر در روایات امامیه

در روایات منقول از ائمه علیهم السلام هنگامی که آب به مقدار کُر می‌رسد، چیزی آن را نجس نمی‌کند،^۳ مگر اینکه بر اساس دسته دیگری از روایات، دچار تَغیّر شود، یعنی رنگ یا بو یا طعم آن تغییر کند.^۴

در بخش نخست بیان شد که بر اساس بررسی این پژوهش، مقدار آب کُر در مجموع روایات ابواب طهارت با سه روش ابعاد، ظروف و رطل، تبیین شده است. البته در برخی از این روایات واژه کُر به کار نرفته و تنها به مفهوم یا ویژگی آب کُر اشاره شده است.^۵ اما از منظر اصطلاح‌شناسی می‌توان روایاتی که در آن‌ها واژه کُر به کار رفته است را به دو گروه تقسیم نمود:

الف. روایات مقدار: کُر در این گروه به شکل معرفه (الکُر) آمده و این روایات به تشریح مقدار آب کُر به یکی از سه روش ذکر شده پرداخته‌اند:

عن محمد بن یحیی عن أحمد بن محمد عن البرقی عن ابن سنان عن إسماعیل بن جابر عن أبي عبد الله قال: ... قُلْتُ وَ مَا الْكُرُّ قَالَ ثَلَاثَةُ أَشْبَارٍ فِي ثَلَاثَةِ أَشْبَارٍ؛ از امام صادق علیه السلام پرسیدم که کُر چیست، فرمود سه و جب در سه و جب^۶.

ب. روایات بدون مقدار: در این گروه از روایات، واژه کُر، بدون ذکر مقدار آن، در

۱. همان، ص ۳۰.

۲. محاسبه: مقدار دو قُلّه بر اساس رطل مصری = (گرم) ۲۰۰۷۰۰ = ۴۵۰ * ۴۴۶ و بنابراین هر قُلّه ۱۰۳۵۰ گرم است.

۳. برای نمونه: حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱، ح ۳۹۱، ۳۹۵ و ۳۹۷.

۴. مانند: همان، ح ۳۳۶.

۵. برای نمونه: همان، ح ۳۳۶، ۳۹۳، ۴۰۸ و ۴۱۵.

۶. همان، ح ۴۱۱.

۷. همچنین ببینید: همان، ح ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷ و ۴۱۸.

عبارت‌های «كُرٌّ مِنْ مَاءٍ»^۱ و «الْمَاءُ قَدَرَ كُرٌّ»^۲ به کار رفته است. از آن جمله، روایت ابی بصیر است که در راه سفر، به کُری از آب گذر کرده است:

بإسناده عن الحسين بن سعيد عن عثمان بن عيسى عن سماعة عن أبي بصير قال: سَأَلْتُهُ عَنْ كُرٍّ مِنْ مَاءٍ مَرَزْتُ بِهِ وَ أَنَا فِي سَفَرٍ قَدْ بَالَ فِيهِ حِمَارٌ أَوْ بَعْلٌ أَوْ إِنْسَانٌ قَالَ لَا تَوْضَأُ مِنْهُ وَ لَا تَشْرَبُ مِنْهُ؛ از امام علیه السلام پرسیدم در مورد کُری از آب که در سفر بر آن گذر کردم، در حالی که الاغ یا قاطر یا انسان در آن ادرار کرده است. فرمود: از آن وضو مگیر و آن را ننوش.^۳

در این روایت با توجه به وجود قرینه‌های سفر و ادرار چهارپایان روشن است که منظور سؤال کننده از کُرٌّ، برکه‌ای آب در بیابان بوده است. همان‌گونه که در بخش ۱/۱ بیان شد، یکی از معانی کُرٌّ نزد لغت‌شناسان متقدم، غدیر یا «آبگیر پُر آب» بوده است. در دو روایت دیگر نیز که عبارت «كُرٌّ مِنْ مَاءٍ» به کار رفته است، با توجه به سیاق، معنای آبگیر برای واژه کُرٌّ بسیار محتمل است.^۴ کاربرد کُرٌّ در این سیاق، مانند کلمه غدیر در عبارت «غديرٍ مِنْ مَاءٍ» در یکی از روایات ابواب تیمم است:

محمد بن مسعود العياشي في تفسيره عن أبي أيوب عن أبي عبد الله قال: التَّيْمُّمُ بِالصَّعِيدِ لِمَنْ لَمْ يَجِدِ الْمَاءَ كَمَنْ تَوَضَّأَ مِنْ غَدِيرٍ مِنْ مَاءٍ...؛ تیمم با خاک برای کسی که آب نیافته است، مانند کسی است که از آبگیری از آب وضو بگیرد.^۵

هم‌چنین در روایاتی که عبارت «[الْمَاءُ] قَدَرَ كُرٌّ» به کار رفته است، اگرچه در نگاه نخست، معنای ظاهر برای واژه کُرٌّ، مقدار یا حجم مشخصی از آب است؛ ولی به نظر می‌رسد که با توجه به سیاق، معنای آبگیر، معنای راجح باشد:

بإسناده عن محمد بن علي بن محبوب عن العباس يعني ابن معروف عن عبد الله بن المغيرة عن أبي أيوب عن محمد بن مسلم عن أبي عبد الله قال: قُلْتُ لَهُ الْغَدِيرُ فِيهِ مَاءٌ مُجْتَمِعٌ تَبَوُّلُ فِيهِ الدَّوَابُّ وَ تَلْعُ فِيهِ الْكِلَابُ وَ يَغْتَسِلُ فِيهِ الْجُنُبُ قَالَ إِذَا كَانَ قَدَرَ كُرٍّ لَمْ يُنَجِّسْهُ شَيْءٌ؛^۶

۱. همان، ح ۳۴۰، ۳۸۷ و ۴۴۸.

۲. همان، ح ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۵ و ۳۹۶.

۳. همان، ح ۳۴۰.

۴. ببینید: همان، ح ۳۸۷ و ۴۴۸.

۵. حرعاملی، وسائل الشیعة، ج ۳، ص ۳۷۸.

۶. همان، ج ۱، ح ۳۹۵.

محمد بن مسلم گفت: از امام صادق علیه السلام پرسیدم در مورد غدیر آبی که حیوانات در آن ادرار می‌کنند و سگان از آن می‌نوشند و جنب در آن غسل می‌کند. فرمود: اگر به اندازه کُری باشد، چیزی آن را نجس نمی‌کند.^۱

در این روایت، شخص سؤال کننده در مورد غدیری که حیوانات به آنجا تردد دارند، سؤال می‌پرسد و امام با توجه به پیش فرض او در مورد آبگیر، با واژه کُر که آبگیری پر آب است، پاسخ می‌دهند.

۱/۴. نتیجه گیری مبحث کُر

بر مبنای بررسی های لغوی، مذهبی و روایی واژه کُر، بعید است که این واژه در روایات امامیه به معنای پیمانۀ یا مکیال اهل عراق به کار رفته باشد؛ چراکه: ۱. در روایات مقدار (گروه الف)، کُر به منزله مقداری از آب است که چیزی آن را نجس نمی‌کند، نه به منزله یک پیمانۀ. به عبارت دیگر، امامان معصوم علیهم السلام در هیچ یک از روایات در جایگاه تبیین مقدار و گنجایش یک پیمانۀ معروف به نام کُر نبوده‌اند؛ ۲. در برخی از روایات ابواب آب مطلق (گروه ب)، دیگر معنای لغوی کُر یعنی «آبگیر پر آب»، معنای ظاهرتری است؛ ۳. بر مبنای نظر برخی از لغت‌شناسان متقدم، پیمانۀ کُر ۷۲۰ صاع است.^۲ با در نظر گرفتن مقدار صاع در مذاهب، کُر پیمانۀ نزد حنفیه ۲۳۴۰ و نزد جمهور ۱۴۶۸/۸ کیلوگرم است.^۳ اما بر اساس مقدار مشهور صاع نزد شیعیان (حدود ۳ کیلوگرم)، کُر حدود ۲۱۰۰ کیلوگرم (یا لیتر) خواهد بود. گزارش والتر هینس (د ۱۹۹۲م)، کُر پیمانۀ را در قرن چهارم هجری قمری در بغداد و کوفه ۲۷۰۰ و یا ۲۹۲۵ کیلوگرم (گندم) اعلام می‌کند.^۴ همه این مقادیر با کُر مصطلح اختلاف بسیار دارد و از سوی دیگر به سبب بزرگی اعداد، با معیارهای ابعاد (وجب) و ظروف (کوزه‌ها) نیز هیچ تناسبی ندارد (محاسبۀ کُر پیمانۀ بر مبنای شصت قفیز نیز همین نتایج را در بر دارد)؛ ۴. هیچ یک از مقادیر رطلی ذکر شده برای کُر در روایات

۱. همچنین ببینید: همان، ح ۳۹۱، ۳۹۲ و ۳۹۶.

۲. ازهری، تهذیب اللغة، ج ۹، ص ۳۲۸.

۳. علی جمعه، المکابیل و الموازین الشرعية، ص ۴۲.

۴. هینس، اوزان و مقیاسها در اسلام، ص ۶۸-۶۹.

امامیه، یعنی ۶۰۰ یا ۱۲۰۰ رطل، با مقادیر ذکر شده برای کُر پیمانانه در تناسب نیست. (این موضوع در بخش بعد تبیین می شود).

۲. مفهوم رطل

۲/۱. مفهوم تکییل و توزین

بر اساس گزارش‌ها، مردمان روزگار پیامبر ﷺ در معامله و تجارت، میان تکییل (پیمانانه کردن) و توزین اشیا و در نتیجه ابزار تکییل و توزین، تمایز قائل بوده‌اند. ازهری در ذیل واژه کیل با اشاره به آیه «وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ»^۱ به نقل قولی از ابوعبید می‌پردازد که هر چیزی که با اسم (پسوند) قفیز، مکوک، مُد و صاع همراه باشد، کیل یا پیمانانه و هر چیزی که با اسم رطل و اوقیه همراه باشد، وزن است.^۲

ابوعبید این نکته را در کتاب *غریب الحدیث* در شرح حدیثی از پیامبر ﷺ بیان نموده است. حدیثی که در نظر او اساس هر مطلبی در مورد کیل و وزن است.^۳ نقل ابوعبید چنین است: *فِي حَدِيثِ النَّبِيِّ ﷺ الْمِكْيَالُ مِكْيَالُ أَهْلِ الْمَدِينَةِ وَالْمِيزَانُ مِيزَانُ أَهْلِ مَكَّةَ*؛ در حدیث پیامبر ﷺ است که پیمانانه (کیل) بر مبنای پیمانانه اهل مدینه و میزان (ترازو) بر مبنای میزان اهل مکه در نظر گرفته شود.^۴

نسائی (د ۳۰۳ق) در سنن، همین حدیث را با اندکی تفاوت از ابن عمر نقل نموده است.^۵ ابوعبید در شرح ذیل حدیث بیان می‌کند که [اندازه‌گیری] خرما نزد مردم مدینه، پیمان‌های است، حال آنکه در بسیاری از شهرها وزنی است. هم‌چنین روغن (سمن) نزد آنان وزنی است، در حالی که در بسیاری از شهرها پیمان‌های است.^۶ او اضافه می‌کند که روغن را در اصل با وزن آن می‌سنجند، مگر اینکه مراد از رطل، پیمانانه باشد که در این صورت آن پیمانانه

ما اجتهاد
پژوهش‌های فقهی

سال سوم، شماره ۵، بهار و تابستان ۱۳۹۸

۱. سوره مطففین، آیه ۳.

۲. ازهری، تهذیب اللغة، ج ۱۰، ص ۱۹۴.

۳. ابوعبید، غریب الحدیث، ج ۳، ص ۴۱.

۴. همان، ص ۴۰.

۵. نسائی، سنن النسائی، ج ۷، ص ۲۰۳.

۶. ابوعبید، غریب الحدیث، ج ۳، ص ۴۱.

را رطل می‌نامند.^۱ ازهری معتقد است که این دستور پیامبر ﷺ برای جلوگیری از ربا بوده؛ چرا که در تبدیل کیل به وزن امکان کم و کاست وجود دارد.^۲ آنچه که از گزارش ابو عبید در پژوهش حاضر اهمیت دارد، دانستن این موضوع است که اگرچه مردم آن روزگار میان توزین و تکبیل اشیای گوناگون تفاوت قائل بوده‌اند؛ اما هیچ اتفاق نظری در این خصوص در بین شهرهای مختلف وجود نداشته است. هم‌چنین اینکه ابو عبید رطل را در شمار معیارهای توزین آورده است، بدان معنا نیست که رطل یک معیار مشخص و استاندارد، مشابه با معیارهای امروزی توزین بوده است، بلکه همان‌طور که وی اشاره نموده، رطل، خود پیمان‌های برای سنجش برخی از اشیا (مانند روغن) بوده است. این مدعا در ادامه پژوهش مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

۲/۲. رطل در کتب لغت

گفته شده که این واژه، معرب و مقلوب کلمه «لیتر» با تلفظ یونانی «litra» است.^۳ البته روشن است که با توجه به گذر زمان و تغییر ابزار و روش‌های اندازه‌گیری، نباید انتظار داشت که رطل، معادل با لیتر امروزی باشد. تلفظ سریانی این واژه نیز بسیار شبیه به تلفظ رطل گزارش شده است.^۴

فراهیدی رطل را برابر با نیم من می‌داند.^۵ گفته شده که رطل، ابزاری است که به وسیله آن وزن یا پیمانه می‌شود و در حالت فعل (رَطَلْتُ، أَرَطَلُهُ، رَطَلًا) به معنای سنجش وزن شیء به کار می‌رود.^۶ باهلی، شاعر جاهلی، رطل را به عنوان ابزار پیمانه کردن به کار برده است.^۷ ازهری، هر رطل را برابر با ۱۲ اوقیه و هر اوقیه را برابر با ۴۰ درهم و در نتیجه هر رطل را

سازمان پژوهش‌های فقهی

بازخوانی واژه‌های «رطل» و «رطل» با تأکید بر روایات امامیه

۱. همان، ص ۴۲.

۲. ازهری، تهذیب اللغة، ج ۱۰، ص ۱۹۴.

۳. دیانت، فرهنگ تاریخی سنجش‌ها و ارزش‌ها، صص ۲۴۸-۲۴۹.

۴. مشکور، فرهنگ تطبیقی عربی با زبان‌های سامی و ایرانی، ج ۱، ص ۲۹۵.

۵. فراهیدی، العین، ج ۷، ص ۴۱۳.

۶. ابن‌درید، جمهرة اللغة، ج ۲، ص ۷۵۸؛ ازهری، تهذیب اللغة، ج ۱۳، صص ۲۱۶-۲۱۷.

۷. ازهری، تهذیب اللغة، ج ۵، ص ۴۷.

برابر با ۴۸۰ درهم دانسته است.^۱ اما جوهری (د۳۹۳ق) که لغت‌شناسی هم‌عصر با آزهری است، بیان می‌کند که اوقیه بر اساس حدیث نبوی و در گذشته ۴۰ درهم بوده است؛ ولی در این روزگار (قرن چهارم)، اوقیه متعارف برابر با ده و پنج هفتم درهم است.^۲

از توضیحات جوهری مشخص نمی‌شود که چه زمانی این تغییر روی داده و آیا مقدار اوقیه تغییر یافته است یا درهم. اما از آنجا که او نیز در بیان معادل‌های رطل تأیید می‌کند که هر رطل، ۱۲ اوقیه است،^۳ پس یک رطل در حدود ۱۲۸/۴ درهم خواهد بود. این در حالی است که با محاسبه معادل‌های متوالی که او بر حسب اوقیه، استار^۴ و مثقال بیان می‌کند،^۵ مقدار هر رطل حدود ۱۰۰ درهم به دست می‌آید. این اختلاف که شاید خود او نیز متوجه آن نبوده، ممکن است به خطا در بیان معادل هر یک از معیارهای ذکر شده، باز گردد.

خوارزمی (د۳۸۷ق) نیز در کتاب مفاتیح العلوم، نه از منظر یک لغت‌شناس، بلکه در تشریح اصطلاحات علمی آن روزگار، با نظر جوهری در مقدار هر اوقیه هم‌نظر است و هر رطل را ۱۲۸ درهم می‌داند.^۶

ابن عبد ربه (د۳۲۸ق)، ادیب اندلسی، در آنجا که از مکابیل عرب سخن می‌گوید، مُد را کوچک‌ترین کیل مشهور عرب و مقدار آن را نزد اهل حجاز، یک و یک سوم رطل و نزد اهل عراق، دو رطل می‌داند.^۷ گزارش جوهری نیز همین مقادیر را تأیید می‌کند.^۸ بنابر این با فرض ثابت بودن مقدار مُد، هر رطل حجازی حدود یک و نیم رطل عراقی خواهد بود.

به این ترتیب، بر مبنای نظر لغت‌شناسان متقدم، رطل ابزاری برای پیمانه کردن یا معیاری برای توزین و مقدار مشهور آن ۱۲ اوقیه بوده و تا قرن چهارم هجری دست‌کم دو نوع رطل (حجازی و عراقی) در میان لغت‌شناسان شهرت بیشتری داشته است.

۱. همان، ج ۱۳، ص ۲۱۶.

۲. جوهری، الصحاح، ج ۶، ص ۲۵۲۸.

۳. همان، ج ۴، ص ۱۶۰۹.

۴. هر اوقیه یک و یک سوم استار و هر استار چهار و نیم مثقال است. جوهری، الصحاح، ج ۴، ص ۱۶۰۹.

۵. همان.

۶. خوارزمی، مفاتیح العلوم، ص ۲۶.

۷. ابن عبد ربه، العقد الفرید، ج ۸، ص ۷۰.

۸. جوهری، الصحاح، ج ۲، ص ۵۳۷.

۲/۳. رطل در روایات امامیه

شیخ طوسی در الاستبصار به منظور رفع تعارض در اخبار مقدار کُر، روایت ۱۲۰۰ رطل را به رطل عراقی و روایت ۶۰۰ رطل را به رطل مکی حمل کرده است. در نظر او هر رطل مکی برابر با دو رطل عراقی است.^۱ از توضیحات او چنین استفاده می‌شود که ما در روایات کُر و صاع (زکات)، با سه نوع رطل مدنی، مکی و عراقی روبه‌رو هستیم.

کلینی (د۳۲۹ق) در باب فطره، روایتی را نقل می‌کند که امام علیه السلام، هر صاع را برابر با ۶ رطل مدنی و یا ۹ رطل عراقی دانسته‌اند.^۲ توضیحات شیخ مفید (د۴۱۳ق) در ذیل روایات صاع نیز به همین مقدار اشاره دارد.^۳

بر اساس روایت اخیر، هر رطل مدنی، یک و نیم رطل عراقی محاسبه می‌شود. پیش‌تر بیان شد که بنابر گزارش ابن عبد ربه و جوهری هر رطل حجازی، حدود ۱/۵ رطل عراقی به دست می‌آید. بنابر این ممکن است که منظور از رطل مدنی، همان رطل حجازی بوده باشد. قول شیخ طوسی خالی از تأمل نیست. همان‌گونه که بیان شد، در روایات کُر هیچ تصریحی به مکی، عراقی و یا مدنی بودن رطل نشده است. بررسی این پژوهش نشان می‌دهد که در سایر روایات نیز تنها دو نوع رطل عراقی و مدنی مطرح بوده و احکام شرعی، بیشتر با رطل عراقی بیان شده است.^۴ به این ترتیب، وجود رطل مکی که معادل با دو برابر رطل عراقی باشد (قول شیخ طوسی)، در روایات امامیه هیچ مؤیدی ندارد. هم‌چنین، در کتب لغت متقدم یعنی در اقوال فراهیدی، ابن درید، ازهری و دیگران نیز هیچ پیشینه‌ای برای آن یافت نمی‌شود. بنابر این به نظر می‌رسد که رطل مکی، رطلی مشهور نبوده و علمای امامیه به‌ویژه متأخران^۵ بر مبنای قول شیخ طوسی و شهرت آن، رطل مکی را برابر با دو رطل عراقی دانسته‌اند.

اما با بررسی‌های پژوهش حاضر، قدری از ابهام این رطل کاسته شد؛ چرا که مشخص گردید، ابوطالب مکی (د۳۸۶ق)، صوفی پرورش یافته در شهر مکه در قرن چهارم هجری،

۱. طوسی، الاستبصار، ج ۱، ص ۱۱، ح ۴ و ۶.

۲. کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۱۷۲.

۳. مفید، المقنعة، ص ۲۵۱.

۴. مانند: حرعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۲۰۴ و ص ۴۸۱ و ج ۹، ص ۱۸۵.

۵. مانند: طریحی، مجمع البحرین، ج ۴، ص ۳۶۲؛ مجلسی، ملاذ الأخیار، ج ۱، ص ۱۹۰.

ضمن شرح یک حدیث در کتابی اخلاقی، مقدار هر رطل مکی را ۳ رغیف (جمع: أرغفة) و مقدار هر رغیف را ۸ أوقیه بیان می‌کند.^۱ در نتیجه مقدار هر رطل مکه، ۲۴ أوقیه بوده است. پیشتر بیان شد که در میان کتب لغت، مقدار رطل به ۱۲ أوقیه، شهرت دارد. در این صورت اگر آن رطل مشهور را رطل عراقی بدانیم، نظر شیخ طوسی در خصوص رابطه میان رطل مکی و عراقی، درست خواهد بود و احتمال او مبنی بر اینکه حدیث ۱۲۰۰ رطل بر مبنای رطل عراقی و حدیث ۶۰۰ رطل، موافق با ذهنیت سؤال کننده از رطل شهر مکه صادر شده باشد،^۲ قابل پذیرش خواهد بود.

دسته‌بندی روایات رطل: صرف نظر از ابواب مقدار کُر، سایر روایاتی که در آن‌ها واژه رطل به کار رفته را می‌توان بر اساس کاربرد واژه رطل در سیاق، به دو گروه تقسیم کرد:

الف- رطل به منزله معیار توزین: حدیثی که در آن مقادیری از گوشت و نان با مقیاس رطل بیان می‌شود^۳ و روایاتی که رطل با کلمات وزن و توزین همراه شده است.^۴

ب- رطل به منزله پیمانہ: روایتی که گنجایش (سعة) یک کوزه (جَرَّة) را صد رطل می‌داند^۵ و روایاتی که در آن‌ها مقدار آب غسل با معیار رطل و در مقایسه با صاع بیان می‌شود؛^۶ چرا که صاع یک پیمانہ معروف است^۷ و روایاتی که در متن آن‌ها مقدار مشخصی از آب برای طبخ مورد نظر است.^۸ از سیاق برخی از روایات دیگر نیز می‌توان معنای پیمانہ را از واژه رطل برداشت نمود، گرچه نمی‌توان به طور قطع معنای دیگر، یعنی معیار توزین را در این روایات نفی کرد.^۹

مقدار رطل در روایات امامیه: بر اساس حدیثی که از امام حسن عسکری علیه السلام در ابواب فطره نقل شده است، هر صاع برابر با ۶ رطل مدنی و هر رطل مدنی، معادل ۱۹۵ درهم بیان

۱. ابوطالب مکی، قوت القلوب، ج ۲، ص ۲۸۵.

۲. طوسی، الاستبصار، ج ۱، ص ۱۱-۱۲.

۳. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۵.

۴. حرعاملی، وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۳۴۲؛ ج ۱۷، ص ۳۶۷؛ ج ۲۸، ص ۲۴۷.

۵. همان، ج ۱، ص ۱۵۳.

۶. همان، صص ۴۸۱-۴۸۲.

۷. ابن درید، جمهرة اللغة، ج ۲، ص ۱۰۷۶.

۸. حرعاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۴، ص ۱۹۷؛ ج ۲۵، صص ۲۸۹ و ۳۸۳.

۹. روایات زکات و زکات فطره: همان، ج ۹، ص ۱۸۵؛ ج ۹، ص ۳۳۴.

می‌شود.^۱ بنابر این هر صاع در آن روزگار برابر با ۱۱۷۰ درهم بوده است. مجلسی (د ۱۱۱۰ق)، در ذیل این روایت به اختلاف آن با روایتی از امام کاظم علیه السلام می‌پردازد که هر صاع در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله در روایات غسل، ۱۴۰۰ درهم بیان می‌شود.^۲ در نظر مجلسی مُد، صاع و رطل در اصل پیمانانهایی بوده‌اند که مقادیر آنها با هدف مصون ماندن از تغییر، به وسیله درهم بیان شده است. اما از آنجا که وزن اجسام مختلف در یک پیمانۀ معین، متفاوت است، مقدار صاع آب با صاع گندم و جو تفاوت دارد و به دلیل ثقیل‌تر بودن آب، مقادیر رطل، مُد و صاع در روایات وضو، غسل و امثال آن سنگین‌تر از آن چیزی است که در روایات فطره و نصاب آمده است.^۳

نکته قابل توجه این است که مجلسی، مقدار رطل و امثال آن را با موزون (وزن شونده)، مرتبط می‌داند و کوشیده است تا برای رفع تعارض روایات از مفهوم جرم حجمی کمک بگیرد؛ چرا که اگر رطل، پیمان‌های پُر با حجم ثابت در نظر گرفته شود، جرم (وزن) اجسام مختلف در آن یکسان نیست. این نکته با توجه به جرم حجمی گندم که در حدود ۲۰ تا ۳۰ درصد کمتر از آب است،^۴ می‌تواند توجیه‌کننده اختلاف در روایات باشد. اما اگر هر صاع نبوی ۱۴۰۰ درهم در نظر گرفته شود، هر رطل مدنی حدود ۲۳۳ درهم خواهد شد که مقدار ناشناخته‌ای است. هم‌چنین در یکی از خطبه‌های منسوب به امام علی علیه السلام، موضوع تغییر صاع در عهد خلفا مورد اشاره قرار گرفته است.^۵ بنابر این ممکن است که اختلاف در روایات به تغییر صاع یا درهم باز گردد، نه به جرم حجمی موزون.

اما در خصوص مقدار درهم، روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده که با دقت در آن مشخص می‌شود که وزن ۷ درهم در دوران منصور عباسی (۱۵۸د) برابر با ۶ درهم در دوران پیش از وی و ۵ درهم در عهد پیامبر صلی الله علیه و آله بوده^۶ و به عبارت دیگر وزن درهم در دوران منصور، حدود

۱. همان، ص ۳۴۲.

۲. شیخ صدوق، الفقیه، ج ۱، ص ۳۴.

۳. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۷، ص ۳۵۴-۳۵۵.

۴. رجوع کنید به: استاندارد ملی ایران، شماره ۱۰۴، تجدید نظر پنجم، آبان ۱۳۹۱.

۵. کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۵۹.

۶. همان، ج ۳، ص ۵۰۷.

۳۰ درصد نسبت به عهد نبوی کاهش یافته است. این تغییر ناشی از متحد سازی درهم بوده که یک بار در روزگار خلیفه دوم^۱ و بار دیگر در نیمه دوم قرن نخست هجری به دستور عبدالملک مروان (د ۸۶ق) صورت گرفته است.^۲

خوشبختانه تغییرات مقدار درهم به گونه‌ای نبوده که نتوان به هیچ روی مقدار آن را محاسبه نمود؛ چرا که پیشینیان کوشیده‌اند تا به منظور حفظ مقدار درهم آن را با معیارهای ثابت تری مانند دانق (دانگ) و حبه جو بیان نمایند. در روایتی از امام کاظم علیه السلام مقدار هر درهم، ۶ دانق و مقدار هر دانق ۶ حبه و مقدار هر حبه، ۲ حبه جو بیان می‌شود.^۳ در نتیجه هر درهم، ۷۰۷۲ حبه جو است. اما جوهری هر درهم را ۶ دانق ولی برابر با ۴۸ حبه [جو] می‌داند.^۴ شیخ مفید (د ۴۱۳ق) و ابن ادریس حلی (د ۵۹۸ق) نیز قول جوهری را برگزیده‌اند.^۵ هم چنین مجلسی در شرح روایت امام کاظم علیه السلام، به شهرت مقدار ۴۸ حبه اشاره می‌کند.^۶ بنا بر این بعید نیست که روایت امام کاظم علیه السلام دچار نوعی تصحیف باشد.

حال اگر رطل بغدادی به وزن ۱۳۰ درهم را همان رطل عراقی ذکر شده در روایات ائمه علیهم السلام بدانیم، از آنجا که بر اساس روایت^۷ هر رطل مدنی برابر با یک و نیم رطل عراقی است، هر رطل مدنی برابر با ۱۹۵ درهم خواهد بود که به طور دقیق مطابق با روایت امام عسکری علیه السلام است. به این ترتیب، ۱۳۰ درهم بودن رطل عراقی یا بغدادی، به تأیید روایات امامیه نیز می‌رسد.

۲/۴. رطل در مذاهب اسلامی

در میان مذاهب اهل سنت از رطل برای بیان مقدار صاع، در تعیین زکات فطره، نصاب زکات و مقدار آب وضو و امثال آن استفاده می‌شود.^۸ پیش‌تر (در بخش ۲/۲) بیان شد که بر اساس

۱. دیانت، فرهنگ تاریخی سنجش‌ها و ارزش‌ها، ص ۲۰۱.

۲. بلاذری، فتوح البلدان، صص ۴۴۷-۴۴۸.

۳. شیخ صدوق، الفقیه، ج ۱، ص ۳۴.

۴. جوهری، الصحاح، ج ۴، ص ۱۶۰۹.

۵. مفید، المقنعة، ص ۲۵۱؛ ابن ادریس، السرائر الحاوی، ج ۱، ص ۴۶۹.

۶. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۷، ص ۳۵۰.

۷. کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۱۷۲، ح ۹.

۸. الموسوعة الفقهية، ج ۳۸، ص ۳۰۸.

برخی از گزارش‌های متقدم، رطل مشهور ۱۲۸ درهم بوده است. ابن‌اخوه (د۷۲۹ق)، فقیه شافعی در قرن هشتم، مقادیر رطل حجازی را ۱۲۰ درهم و رطل بغدادی را ۱۳۰ درهم گزارش نموده است.^۱

امروزه رطل (بغدادی) نزد مذاهب چهارگانه اهل سنت ۱۲۸ یا ۱۳۰ درهم است و سایر انواع رطل در فقه مذاهب عامه کاربردی ندارد.^۲ رطل فقهی یا همان رطل عراقی نزد حنفیه برابر با ۱۳۰ درهم (هر درهم: ۳/۱۲۵ گرم) معادل با ۴۰۶/۲۵ گرم و نزد جمهور برابر با ۱۲۸ درهم (هر درهم: ۲/۹۷۵ گرم) معادل با ۳۸۲/۵ گرم در نظر گرفته شده است.^۳

در میان امامیه، به‌رغم پذیرش شهرت رطل عراقی به ۱۳۰،^۴ نظر مشهور این است که ۱۲۰۰ رطل عراقی (مقدار کُر) برابر است با ۲۹۲/۵ حقه استانبول (هر حقه استانبول ۲۸۰ مثقال) و بر حسب من شاهی (هر من شاهی: ۱۲۸۰ مثقال) برابر است با ۶۴ من، بیست مثقال کم.^۵ مشهور است که این مقادیر در حدود ۳۸۴ کیلوگرم وزن دارد.^۶ بر این اساس هر کُر ۸۱۹۰۰ مثقال در نظر گرفته شده و با محاسبه معکوس، هر رطل ۳۲۰ گرم به دست می‌آید. بر اساس بررسی این پژوهش به نظر می‌رسد که برآوردهای اخیر در گزارش‌های بهاء‌الدین عاملی (د۱۰۳۰ق) و محمدباقر مجلسی (د۱۱۱۰ق) ریشه داشته باشد. مجلسی ۱۲۰۰ رطل عراقی را برابر با ۱۰۹۲۰۰ مثقال شرعی یا ۸۱۹۰۰ مثقال صیرفی دانسته است. اگرچه بر حسب من شاهی، مقدار کُر را ۶۸/۲۵ اعلام نموده است.^۷ در نتیجه با در نظر گرفتن مقدار من شاهی از گزارش والتر هینس (حدود ۵/۸ گرم)،^۸ مقدار کُر مورد نظر مجلسی در حدود ۳۹۶ کیلوگرم به دست می‌آید.

تأیید

بازخوانی و تأیید «کُر» و «رطل» با تأکید بر روایات امامیه

۱. ابن‌الاخوه، المعالم القریة فی طلب الحسبة، ص ۸۰.

۲. ببینید: الموسوعة الفقهية، ج ۳۸، صص ۳۰۷-۳۰۸.

۳. علی جمعه، المکاییل و الموازین الشرعية، ص ۱۹ و ۲۹ و نیز ببینید: هینس، اوزان و مقیاسها در اسلام، ص ۴۹.

۴. طریحی، مجمع البحرین، ج ۵، ص ۳۸۴؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۷۹.

۵. نوری، پژوهش‌های فقهی، ص ۱۹۸؛ یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۳۵.

۶. نوری، پژوهش‌های فقهی، ص ۱۹۹.

۷. مجلسی، اوزان المقادیر، ص ۱۴۳ و نیز ببینید: عاملی، رسالة فی الکر، ص ۲۳۵.

۸. هینس، اوزان و مقیاسها در اسلام، ص ۳۲.

از گزارش‌های عاملی و مجلسی به روشنی می‌توان دریافت که آنان بدون در اختیار داشتن پیمان‌های به نام رطل، بر اساس گزارش پیشینیان از نسبت میان درهم و مثقال، مقدار رطل و کُر را محاسبه نموده‌اند؛ چرا که جوهری هر مثقال را حدود $1/43$ درهم دانسته است،^۱ حال اگر هر کُر 109200 مثقال شرعی باشد (طبق نظر عاملی و مجلسی)، با محاسبه معکوس، هر رطل $130/13$ درهم می‌دهد^۲ که با تقریب خوبی، همان رطل مشهور عراقی است. اما باید توجه داشت که مثقال و درهم جدید (صیرفی) در دوران صفویه وضع شده و مثقال و درهم پیش از آن به «شرعی»، شهرت داشته است،^۳ بنابر این گزارش عاملی و مجلسی، تنها با این فرض قابل پذیرش است که مقدار مثقال و درهم شرعی از دوران متقدم تا دوران صفویه، بدون تغییر در نظر گرفته شود.

از سوی دیگر، روشن است که عدد 384 کیلوگرم (کُر مشهور) از ضرب 81900 (مثقال) در $4/689$ (گرم) به دست آمده است. به این ترتیب، چنین تلقی شده که هر مثقال صیرفی مورد اشاره مجلسی $4/689$ گرم وزن دارد. در حالی که بنابر گزارشی، در قرن دهم و یازدهم هجری قمری، نوعی از مثقال رایج در ایران در حدود $4/6$ گرم وزن داشته است^۴ و سایر گزارش‌ها نیز هر مثقال صیرفی را $4/8$ گرم،^۵ $4/884$ گرم^۶ و $4/265$ گرم^۷ اعلام نموده‌اند. در نتیجه، نمی‌توان پذیرفت که با مبنا قرار دادن گزارش عاملی و مجلسی و استفاده از معیار مثقال، مقادیر رطل و کُر با دقت به دست آمده است. به عنوان مثال اگر هر مثقال صیرفی $4/265$ گرم در نظر گرفته شود، وزن کُر 349 کیلوگرم به دست می‌آید.

در میان امامیه، سید محمد صدر (د ۱۳۷۷ ش) روش دیگری را برای محاسبه مقادیر رطل و کُر برگزیده است. او بر این اساس که مقدار هر صاع در حدود 3 کیلوگرم محاسبه شده، با کمک برخی از نسبت‌های پیش‌گفته، مقادیر ابطال را چنین محاسبه نموده است: رطل عراقی =

۱. جوهری، الصحاح، ج ۴، ص ۱۶۰۹.
۲. محاسبه: $130/13 = 130 * 1/43 = 109200$.
۳. بیاضی، الأوزان و المقادیر، ص ۱۱۵.
۴. هینس، اوزان و مقیاس‌ها در اسلام، ص ۹.
۵. بیاضی، الأوزان و المقادیر، ص ۱۱۶.
۶. صدر، ماوراء الفقه، ج ۲، ص ۶۳.
۷. شاهرودی و دیگران، فرهنگ فقه، ج ۳، ص ۶۸۶.

۳۳۳ گرم، رطل مکی = ۶۶۶ گرم و رطل مدنی = ۵۰۰ گرم. در نتیجه، او مقدار کُر را حدود ۴۰۰ کیلوگرم به دست آورده است.^۱

اما اشکال وارد بر محاسبه صدر این است که وی مقدار صاع را مبنای محاسبه رطل قرار داده است. به نظر می‌رسد که مبنای محاسبه او گزارش بیاضی (د ۱۳۸۳ ش) باشد که هر صاع را ۹۲۱/۳ درهم و هر درهم را ۳/۲ گرم دانسته است.^۲ در حالی که از آنجا که هر مکوک برابر با ۱/۵ صاع بوده است،^۳ با بهره‌گیری از مقادیر معادل مکوک مانند کیلجه، من و اوقیه^۴ هر مکوک ۱۱۲۲ یا ۱۴۵۹ درهم (بسته به مقدار رطل) به دست می‌آید. در نتیجه هر صاع حدود ۷۴۸ یا ۹۷۲ درهم خواهد بود. پیشتر نیز بیان شد که بر اساس حدیث امام عسگری علیه السلام هر صاع، ۱۱۷۰ درهم محاسبه می‌شود. به این ترتیب ملاحظه می‌شود که همه این مقادیر با صاع مفروض صدر تفاوت دارد.

۲/۵. نتیجه‌گیری مبحث رطل

بر اساس بررسی منابع لغوی و روایی، رطل را باید در اصل، مکیال یا پیمان‌های دانست که به منزله معیار توزین نیز مورد استفاده قرار می‌گرفته است و پیشینیان به منظور پی بردن به گنجایش یک رطل و شاید حفظ و یکنواخت‌سازی آن، رطل را با معیار درهم سنجیده و مقدار آن را گزارش کرده‌اند.

به نظر می‌رسد که رطل در روایات مقدار آب کُر، بیش از آنکه یک واحد توزین باشد، یک پیمانه است (مانند روایات گروه ب). به‌ویژه که با در نظر گرفتن مفهوم آبگیر برای کُر، منطقی به نظر نمی‌رسد که وزن یک آبگیر مورد نظر احادیث بوده باشد، بلکه رطل در این روایات، یک «معیار حجمی تقریبی» برای مشخص کردن حدود مقدار آب کُر است. از سوی دیگر، نمی‌توان پذیرفت که هدف از بیان مقدار کُر به وسیله رطل، این باشد که شخص در برخورد با یک حوض یا آبگیر یا ظرف آب، ابتدا به تکمیل یا توزین آن بپردازد و سپس

مباحث

بازخوانی و تذهیب‌های «کُر» و «رطل» با تأکید بر روایات امامیه

۱. صدر، ماوراء الفقه، ج ۱، صص ۷۶-۷۸.

۲. ببینید: بیاضی، الأوزان و المقادیر، ص ۷۹.

۳. أزهری، تهذیب اللغة، ج ۹، ص ۳۲۸.

۴. جوهری، الصحاح، ج ۴، ص ۱۶۰۹.

به تکلیف معین شده، عمل نماید؛ چراکه این کار در اکثر مکان‌ها نه ممکن است و نه معقول. از این رو به نظر می‌رسد معیار رطل برای زمانی بیان شده که پر کردن حوض یا آب انبار در میان بوده و چه بسا خود رطل به منزله یک ظرف برای حمل آب، مورد استفاده قرار می‌گرفته است. اما برای محاسبه مقدار رطل باید به این نکته توجه داشت که پیشینیان، مقدار رطل را به طور مستقیم با درهم بیان نموده‌اند. پس با مشخص شدن مقدار درهم آن روزگار، مقدار رطل بدون نیاز به معیارهای واسطه، هم‌چون مثقال و حقه با روش اطمینان‌بخش تری محاسبه خواهد شد. اکنون اگر با توجه به شهرت در میان مذاهب و وجود مؤید در روایات امامیه، هر رطل عراقی یا بغدادی، حدود ۱۳۰ درهم در نظر گرفته شود، از آنجا که مقدار هر درهم اسلامی بعد از اصلاحات عبدالملک مروان بر اساس گزارش‌های منابع تاریخی با دقت بالایی در حدود ۳ گرم محاسبه^۱ و مقدار آن در میان مذاهب اربعه نیز حدود ۳ گرم پذیرفته شده است،^۲ هر رطل، حدود ۳۹۰ گرم و در نتیجه مقدار آب کُر بر اساس روایت ۱۲۰۰ رطل، حدود ۴۶۸ کیلوگرم به دست می‌آید. حتی با کم‌ترین مقدار معتبر گزارش شده برای درهم (۲/۸۲ گرم)،^۳ مقدار آب کُر، حدود ۴۴۰ کیلوگرم خواهد بود. روشن است که این مقادیر با مقدار مشهور آن (۳۸۴ کیلوگرم) اختلاف بسیار دارد.

در نهایت، به‌رغم اینکه مقدار ۴۶۸ کیلوگرم برای کُر بر اساس مبانی استوارتری محاسبه شده است، نمی‌توان ادعا نمود که مقادیر رطل و آب کُر، به طور دقیق و بدون خطا به دست آمده است؛ چرا که حتی اگر همه گزارش‌های پیشینیان هم درست و فاقد خطا باشد، تنها اختلافی جزئی در برآورد مقدار درهم به میزان ۰/۲ گرم (مانند مقدار درهم در گزارش بیاضی)، می‌تواند مقدار کُر را تا ۳۱ کیلوگرم (یا لیتر) تغییر دهد.^۴ به علاوه، در تطبیق میان روش رطلی با روش ابعادی، این نکته جالب توجه است که مقدار ۴۶۸ کیلوگرم (یا لیتر) برای آب کُر، تنها زمانی تحقق پیدا می‌کند که بر اساس روایت سه و جب و نیم در همه ابعاد،

۱. ببینید: زراء نژاد، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، ص ۵۶؛ دیانت، فرهنگ تاریخی سنجش‌ها و ارزش‌ها، ص ۲۰۳؛ هینس، اوزان و مقیاس‌ها در اسلام، ص ۲؛ دانشنامه جهان اسلام، مدخل درهم.
۲. علی جمعه، المکابیل و الموازن الشرعية، ص ۱۹.
۳. هینس، اوزان و مقیاس‌ها در اسلام، ص ۲.
۴. محاسبه: ۳۱۲۰۰ گرم = ۱۲۰۰ رطل * ۱۳۰ * درهم * ۰/۲ گرم.

مقدار هر وجب به طور دقیق ۲۲/۱۸ سانتی متر و برای مقدار ۳۸۴ کیلوگرم، زمانی است که هر وجب ۲۰/۷۶ سانتی متر باشد. ناگفته روشن است که اندک تغییری در مقدار وجب که ممکن است در اثر میزان کشش انگشتان و یا تفاوت وجب اشخاص به وجود آید، تا چه اندازه می تواند نتیجه برآوردها را تغییر دهد.

جمع بندی و نتیجه گیری

نظر مشهور آن است که مقدار آب کُر در روایات امامیه به دو روش حجمی و وزنی بیان شده است؛ اما دقیق تر این است که در روایات امامیه مقدار آب کُر با سه روش بیان شده است: ابعادی، ظروف و پیمان های (رطل).

کُر در روایات به یکی از معانی لغوی آن یعنی آبگیری یا محل تجمع آب، نزدیک تر است. رطل در اصل پیمان های برای اندازه گیری بوده است و در روایات آب کُر، رطل یک معیار حجمی تقریبی برای مشخص کردن حدود آب کُر است. مشهورترین رطل، رطل عراقی و مقدار آن بر اساس برابری با درهم به تقریب، ۴۰۰ گرم به دست می آید، حال آنکه بر اساس مقدار کُر مشهور، هر رطل ۳۲۰ گرم فرض شده است.

مباحث

بازخوانی واژه های «کُر» و «رطل» با تأکید بر روایات امامیه

بهترین و اطمینان بخش ترین روش به دست آوردن مقدار کُر، استفاده از مقادیر رطل و درهم است که بر مبنای گزارش های متقدمان و بهره گیری از روایات امامیه استوار است. البته در این صورت مقدار آب کُر با مقدار مشهور آن تفاوت چشم گیری پیدا می کند.

به رغم همه تلاش های صورت گرفته، ادعای به دست آوردن دقیق و بدون خطای مقادیر کُر، ادعای درستی نیست؛ چرا که از سه روش بیان مقدار کُر، دو روش ابعادی و ظروف، در ذات خود تقریبی هستند و با توجه به روش های ساخت پیمانه ها و ضرب مسکوکات در روزگار قدیم، نمی توان از روش رطلی نیز دقت بالایی را انتظار داشت. به علاوه، تبدیل رطل به واحدهای امروزی، تقریب های دیگری را به همراه دارد. به عبارت دیگر، صحیح تر آن است که هر سه روش بیان مقدار کُر را تقریبی بدانیم.

نتیجه اینکه اصطلاح کُر در روایات امامیه یک معیار تقریبی برای بیان حداقل مقدار آب یک آبگیر یا معادل آن است که در ملاقات با نجاست، مشروط به عدم تغییر خصوصیات آن، پاک باقی خواهد ماند و برای پی بردن به مقدار آن نباید در ورطه محاسبات دقیق گرفتار آمد.

منابع و مآخذ

* قرآن کریم

۱. ابن ابی شیبہ، عبد اللہ بن محمد، المصنف، أسامة بن ابراهيم، قاهرة: الفاروق الحديثة، ۱۴۲۸ق.
۲. ابن الاخوه، محمد بن محمد، المعالم القربة في طلب الحسبة، كمبردج: دار الفنون، [بی تا].
۳. ابن ادریس حلی، محمد بن احمد، السرائر الحاوی، موسوی، چ ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، ۱۴۱۰ق.
۴. ابن بابویه، شیخ صدوق، محمد بن علی، کتاب من لا یحضره الفقیه، غفاری، چ ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ق.
۵. ابن درید، محمد بن حسن، جمهرة اللغة، چ ۱، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۹۸۸م.
۶. ابن عبد ربّه، احمد بن محمد، العقد الفريد، قمیحه، چ ۳، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۷ق.
۷. ابوطالب مکی، محمد بن علی، قوت القلوب، عاصم ابراهيم، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۶ق.
۸. ابو عبید، قاسم بن سلام، الغریب المصنف، عبیدی، چ ۱، تونس: المؤسسة الوطنية للترجمة و التحقیق و الدراسات، ۱۹۹۰م.
۹. ابو عبید، قاسم بن سلام، غریب الحدیث، محمد عبد المعید خان، چ ۱، حیدرآباد-دکن: مطبعة دائرة المعارف العثمانیة، ۱۹۶۴م.
۱۰. أزهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغة، چ ۱، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ق.
۱۱. استاندارد ملی ایران، شماره ۱۰۴، تجدید نظر پنجم، آبان ماه ۱۳۹۱ش.
۱۲. بلاذری، احمد بن یحیی، فتوح البلدان، بیروت: دار و مكتبة الهلال، ۱۹۸۸م.
۱۳. بهجت فومنی، محمد تقی، وسیلة النجاة، چ ۲، قم: انتشارات شفق، ۱۴۲۳ق.
۱۴. بیاضی، ابراهیم سلیمان، الأوزان و المقادیر، لبنان: [بی تا]، ۱۳۸۱ق.
۱۵. بنیاد دایره المعارف اسلامی، دانشنامه جهان اسلام، جلد ۱۷ و ۱۸، ۱۳۹۳ش.
۱۶. دیانت، ابوالحسن، فرهنگ تاریخی سنجش ها و ارزش ها، تبریز: انتشارات نیما، ۱۳۶۷ش.
۱۷. زراء نژاد، منصور، «برآورد ارزش درهم و دینار در تاریخ اقتصادی مسلمانان»، فصلنامه پژوهش های اقتصادی ایران، شماره ۲۱، زمستان ۱۳۸۳، صص ۵۱-۶۶.
۱۸. الجزیری، عبد الرحمن، کتاب الفقه علی المذاهب الأربعة، چ ۲، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۴ق.
۱۹. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، عطار، بیروت: دار العلم للملایین، ۱۳۷۶ق.

ماهنامه
پژوهش های فقهی

سال سوم، شماره ۵، بهار و تابستان ۱۳۸۸

٢٠. حُرِّ عاملي، محمد بن حسن، وسائل الشيعة، مؤسسة آل البيت عليه السلام، ج١، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام، ١٤٠٩ق.
٢١. خميني، روح الله، تحرير الوسيلة، ج١، قم: مؤسسة مطبوعات دارالعلم، ١٣٧٩ش.
٢٢. خوارزمي، محمد بن احمد، مفاتيح العلوم، اعسم، بيروت: دارالمناهل، ١٤٢٨ق.
٢٣. خويي، سيد ابوالقاسم، منهاج الصالحين، ج٢٨، قم: نشر مدينة العلم، ١٤١٠ق.
٢٤. _____، موسوعة الإمام الخويي، قم: مؤسسة إحياء آثار الإمام الخويي، ١٤١٨ق.
٢٥. شاهرودي، سيد محمود و ديگران، فرهنگ فقه مطابق با مذهب اهل بيت عليه السلام، مؤسسة دایرة المعارف فقه اسلامي بر مذهب اهل بيت عليه السلام، قم، ١٤٢٦ق.
٢٦. شبيري زنجاني، سيد موسی، المسائل الشرعية، قم: مؤسسة نشر الفقاهة، ١٤٢٨ق.
٢٧. صاحب، اسماعيل بن عباد، المحيط في اللغة، آل ياسين، بيروت: عالم الكتاب، ١٤١٤ق.
٢٨. صافي گلپايگانی، علي، ذخيرة العقبي، قم: گنج عرفان، ١٤٢٧ق.
٢٩. صدر، سيد محمد، ما وراء الفقه، بيروت: دارالاضواء، ١٤٢٨ق.
٣٠. طريحي، فخرالدين بن محمد، مجمع البحرين، اشكوري، ج٣، تهران: نشر مرتضوي، ١٣٧٥ش.
٣١. طوسي، محمد بن الحسن، الاستبصار، حسن موسوي، ج١، تهران: دارالكتب الإسلامية، ١٤٢٨ق.
٣٢. _____، الخلاف، خراساني و ديگران، قم: دفتر انتشارات اسلامي جامعة مدرسین، ١٤٠٧ق.
٣٣. عاملي، بهاء الدين، رسالة في الكر، قم: مؤسسة دائرة المعارف فقه اسلامي، ١٤٢٦ق.
٣٤. عبدالرزاق، ابن همام، المصنف، القاهرة/بيروت: دارالتأصيل، ١٤٣٦ق.
٣٥. علي جمعه محمد، المكايل و الموازين الشرعية، ج٢، القاهرة: القدس، ١٤٢١ق.
٣٦. عمارة، محمد، قاموس المصطلحات الاقتصادية في الحضارة الإسلامية، ج١، بيروت: دار الشروق، ١٤١٣ق.
٣٧. العمري، علي، «المقادير الشرعية و ضبطها بالعلامات الطبيعية»، المجلة الأردنية في الدراسات الإسلامية، جلد٣، شماره١، ١٤٢٨ق، صص ٢٢١-٢٣٣.
٣٨. غزالي، محمد بن محمد، الوسيط في المذهب، احمد محمود ابراهيم، ج١، [بي جا]: مكتبة دارالسلام، ١٤١٧ق.
٣٩. عهد عتيق (جلد اول)، ترجمه پيروز سيار، ج٢، تهران: هرمس، ١٣٩٤ش.
٤٠. عهد عتيق (جلد دوم)، ترجمه پيروز سيار، ج١، تهران: ني-هرمس، ١٣٩٧ش.
٤١. فراهيدي، خليل بن احمد، كتاب العين، ج٢، قم: نشر هجرت، ١٤٠٩ق.
٤٢. كليني، محمد بن يعقوب، الكافي، غفاري و آخوندي، ج٤، [بي جا]: دارالكتب الإسلامية، ١٤٠٧ق.

۴۳. مجلسی، محمد باقر، *أوزان المقادير*، رحیمی ثابت، قم: کتابفروشی بصیرتی، ۱۳۱۰ق.
۴۴. _____، *بحار الأنوار*، جمعی از محققان، ج ۲، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۴۵. _____، *ملاذ الأخیار*، رجایی، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۶ق.
۴۶. مشکور، محمدجواد، *فرهنگ تطبیقی عربی با زبان‌های سامی و ایرانی*، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۹۷۸م.
۴۷. مفید، محمدبن محمد، *المقنعة*، قم: کنگره جهانی شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۴۸. *الموسوعة الفقهية*، وزارة الأوقاف و الشؤون الاسلامية، ج ۱، کویت: دارالصفوة، ۱۴۱۹ق.
۴۹. نسائی، احمدبن شعيب، *سنن النسائی*، به شرح جلال‌الدین سیوطی، به تصحیح عبدالوارث محمدعلی، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۲۰۱۲م.
۵۰. نوری، سیدحسین، «راه‌های تشخیص آب کر»، *پژوهش‌های فقهی*، دوره هشتم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، صص ۱۹۱-۲۰۵.
۵۱. هینس، والتر، *اوزان و مقیاس‌ها در اسلام*، غلامرضا ورهرام، ج ۱، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۸ش.
۵۲. یزدی، سیدمحمدکاظم، *العروة الوثقی*، ج ۲، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۹ق.
53. Jeff A. Benner, "Ancient Hebrew Dictionary", Vritual bookworm.com Publishing Inc., College Station, 2009.
54. Jeff A. Benner, "Ancient Hebrew Lexicon Of The Bible", Vritual bookworm.com Publishing Inc., College Station, 2005.
55. Michael josephs, "An English And Hebrew Lexicon", B. Wertheim, 57, Aldersgate Street, London, 1834.